بررسی تطبیقی نقش حویله‌های علمیه نجف و قم در بیداری سیاسی افغانستان معاصر

عبدالقیوم سجادی *
سیدآصف کاظمی **

چکیده
علمان و طلاب شیعی، در تحولات فرهنگی، مذهبی و سیاسی افغانستان، نقش داشته‌اند. آنان در افغانستان قبل از اشغال، دوره تجاوز روس‌ها و پیش از آن، در جایگاهی بیپاداریانه قرار گرفتند. اما، این نقش و جایگاه، اشکالی بررسی نشده است. این روش و اثری در این زمینه به خصوصی نمی‌خورد. یا این وصف آیا بالاخره و به‌ویژه بیداری اسلامی افغانستان، از عالمن و طلاب بین شیعیان نشان گرفته است؟(سوال) تکمیل و ارتباط ویژه عالمن شیعی با نجف و قم به همراه وجود استعداد و استمرار در افغانستان، آنان را در مقام بیدارگان آن کشور قرار داد(فرضیه) غرض آن است که از یک سو، تصویری روندی از تأثیر حویله‌های نجف و قم بر بیداری سیاسی افغانستان ارائه شود و آز سوی دیگر، رابطه بین عالمن و طلاب شیعی افغانستان با بیداری سیاسی به میان بیاید(هدف) مطالعه تاریخی- تحلیلی و مراجعتی به منابع کتابخانه‌ای و میدانی، می‌توان به پاسخ سوال دست بکار برد(روش).

مکان دنبال نقش در بیداری سیاسی برای احقاق حقوق سیاسی شیعین، آغازگری بیداری سیاسی مطرح، شیعیان در عمل سیاسی و تلاش برای حدود وکالت شیعان ولی‌عهد برای وحدت سیاسی شیعین مؤثر و هدف‌مند می‌شد. مراکز دینی قم بیشتر در دفاع از حقوق سیاسی شیعین، گسترش سیاسی و اقتداری، حمایت روحانیان در رفتار سیاسی، مشابهات سیاسی حکمرانی شیعین و شکل‌گیری احزاب و تشكل‌های سیاسی ناگزیر بود(یافته).

واژگان کلیدی
جوهر علمیه نجف، جوهر علمیه قم، عالمن و طلاب افغانستانی، بیداری
سیاسی، شیعیان.

* عضو هیات علمی دانشگاه حاتم‌البینین کابل (یوسف‌نده مستند) - abdolqaium@yahoo.com
** دانش‌پژوه سطح حکمرانی، جامعه و سیاست اسلامی - Kazemi.asef@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۲۹
تاریخ تایید: ۱۳۹۲/۹/۱۱
مقدمه

جهان اسلام در صد سال اخیر، کانون تحولات مهم بود که در تاریخ اسلام کم سابقه است. جنبه‌های اصلاحی، بیداری اسلامی، تلاش برای بارگشت به هویت اسلامی و اشیای با غرب و غرب‌ستانی از شاخه‌های تحولات معاصر جهان اسلام به حساب می‌آیند. مراکز دینی جهان اسلام و شخصیت‌های بیدارگر، در این تحولات نقش بیدل و محوری داشته‌اند. مراکز دینی نجف و قم، به عنوان اثرگذار مراکز دینی جهان اسلام در دوره معاصر، در کانون این تحولات قرار گرفته‌اند و حوزه‌های علمیه نجف و قم و نیز دانش‌آموختگان آنها، نقش اصلی در بیداری سیاسی شیعان افغانستان داشته‌اند. در این مقاله، کارکردهای مراکز در بیداری سیاسی افغانستان بررسی می‌شود که نتیجه‌ای نقش آنان را در اخیات حقوق سیاسی شیعان، بیداری سیاسی، و حدث سیاسی، ارتباط جامعه‌سیاسی اجتماعی شیعان افغانستان و شکل‌گیری احزاب و تشکیل‌های سیاسی نشان دهد. پیش از ورود به مبحث اصلی، چند بحث مقدماتی نیاز است:

الف) حوزه‌های علمیه

حوزه علمیه، اصطلاحی است رایج در جهان به ویژه نزد شیعیان و به معنای مرکز تحقیق علوم دینی است که به علم در اختیار داشتن گنجینه به یادگار مانده از خاندان ثبوت و عترت، فرهنگ بی‌نظری را در تمام زبان‌های علمی، اجتماعی و گاه سیاسی از خود به نیادگار گذاشته است(حاج سیدجوادی، 1381، ج ۱۸9، م). مهم‌ترین حوزه‌های علمیه شیعه در نجف و قم شکل یافته‌اند.

حوزه علمیه نجف

از مبانی اساسی متعدد شهربومزن افغانستان علی(ع)، «حوزه مشهورترین نامی است که هم‌اکنون به این عنوان خوانده می‌شود. حوزه کلمه‌ای عربی و به معنای منجوف است. منجوف مکانی است مستقل شکل و مرتفع که آب در اطراف آن جمع می‌گردد، ولی بر سطح آن جاری نمی‌شود. وضعیت جغرافیایی نجف که مستقل شکل بوده و از زمین‌های اطراف بندن‌در است، موجب شده این نام بر آن نهاده شود(المحبوبه، 1406، ج ۱۰۰). با مهاجرت شیخ طوسی در جوار امیر모من علی(ع) برای اقامت و تدریس، طلاب علم اسلامی، حوزه علمیه نجف اشرف را به مرکز شیعه و دانشگاهی بزرگ شیعه امامیه تبدیل
کردنده و پس از آن، هزاران طلبه در این دانشگاه پرورش یافتند. نجف، سال‌ها مرکز تحویل‌آمیزی و ریشه‌دار در منظومه اندیشه شیعه بوده است. بزرگان بسیار و اندیشه‌سازان زلفنگر، از آن بروند امیند و توانستند راهی به سوی تفکرات نو و در عین حال ناب‌پگشاید. وجود عناصر عالیت نیز در عراق، باعث شده شیعیان همواره نویعی تعلق خاطر و اشتیاق وصف‌ناداتی به این شهره‌ها داشته‌باشند.

حوزه علمیه نجف، ادوار تاریخی چندی را گذارانه که مهم‌ترین آن از قرن سیزده تا قرن پانزده هجری است، این دوره از برجام‌پویی‌های این حوزه به شمار می‌رود. یکی از عالمان نامدار این دوره آخوند ملائحت‌کاظم شریفیان (۱۲۶۹–۱۳۵۵ق) است. او فرزند ملاحسن هروی، از دانش‌مندان اصولی و فقهی کمال‌نظر بود که در تحقیق و ترویج مباحث اصولی شیعی، زرتشتی‌گر خاصی از خود نشان داد (جامع از نوین‌دانگان، ۱۳۸۳) (۱۶۴).

۲. حوزه علمیه قم

قسم از نخستین شهرهای است که در ایران مذهب تشیع را پذیرفت و از ربع آخر قرن اول هجری فرهنگ شیعی، در این دیار رواج یافت و یکی از اولین مراکز علمیه شیعه بود که در این دوره از اواخر قرن سیزده و در اواخر قرن چهارده بسیاری از آنها، بدون استفاده مانند و تخریب شدند. آیت‌الله فیض قمی نخستین گام را برای احیای این حوزه برداشت و در سال ۱۳۹۵ که دارکو دارد (شیرخانی، ۱۳۸۶: ۲۲). حوزه علمیه قم نیز مانند حوزه علمیه نجف، دارای مرحل و ادواری چندگانه است.

آخرین دور از ادوار حوزه علمیه قم، تاریخ معاصر است که از قرن سیزده شروع شده و تا امروز ادامه دارد. نقطه تحول این دوره، یکی زمانی است که آیت‌الله خاتونی در این حوزه مسئولیت و به حوزه علمیه قم جان‌نگار با خوش و خود به عنوان «آیت‌الله مؤسس» شهرت یافت (شیرخانی، ۱۳۸۶: ۲۶۳-۲۶۴). در جریان دوره مردمیت حضرت آیت‌الله بروجردی است. کاتون تحول دیگر حوزه علمیه قم را باید مرجعیت امام خمینی (ره) دانست که مسئله تحولات از روزی در حوزه‌ها، به‌حال تشعیه و دنبال اسلام گردید.

۲. حوزه علمیه افغانستان

در افغانستان به حوزه‌های علمیه، اغلب مردم بیشتر علمیه‌ها مدرسه علمیه‌ها می‌باشد. علوم دینی گفته
میشود. در افغانستان حوزه علمیه به گستره نجف و قم پدید نیامده ولی تاریخ علم نشان میدهد که سرزمین افغانستان در گذشته، خاستگاه و چاپگاه فرانسویان اندیشه و عالمان برگ دینی بوده است. حوزه‌های علمیه در سراسر جهان اسلام، دارای آوازه بلند و شهرت علمی هستند. فرهیختگان بزرگی که امروزه از مفاخر جهان اسلام به حساب می‌آیند هم چون ابن سینا، ابوخیام بیروی، ابویعقوب سجستانی، عبداللیل سجزی، امام الحرمین جوینی، ناصرخسرو قبادیانی، مولانا جلال الدین بلخی، ابن سینا، بلخی، فخر رازی، سیدجمال الدین افگانی، مولانا عبدالقادر دهلوی، اخوند خراسانی و صدها شخصیت علمی فرهیخته دیگر از این مرز و بوم قد برافراشته‌اند.

حوزه‌های علمیه افغانستان نیز مانند مراکز دینی نجف و قم، دارای ادوار تاریخی است. اوالین دوره، از صدر اسلام تا پایان دوره تیموریان با دربرگرفتن دو میلیون مربوط به دوره تیموریان گذشته و هنوز از این دوره در افغانستان، حدود دو سده کرام ساخته شده است. در دو سده اخیر، حركات علمی رشد نسبی یافت. ابتدا این دوره، حکت و رشد علمی مراکز دینی دارای فراز و نشیب فراوان بوده است.

ب) بررسی مفهومی بیداری سیاسی

بیداری اسلامی، پدیده‌ای است که اخیرا در استری تاریخی در کشورهای اسلامی بیداری اسلامی می‌دانده است. درباره مفهوم بیداری به دلیل نوی‌نور بودن آن و وقایی وجود ندارد اما تعریف آن در این مقاله، عبارت از نوی‌نور تعمیم یافت است که غلب جوامع، مسلمان و حتی آحاد مسلمانان را دربر می‌گیرد. بیداری اسلامی از زمان پیدایش تاکنون، موجب جنبه‌های جامعی در سطح مختلف بوده است(الویری، ۱۳۴۸، ج۱: ۲۱۵). بیداری اسلامی، نام‌هنگامی نزدیک به جنگ اباگری، ویژاپی، پاکدینی، پنادگری، اصلاحطلبی، و رستاخیز، تجدید، جدایی باشی درباره، مبینزوجی، و فعالیت گرایی، بازگشت به اسلام و راهی‌های اسلام به خود گرفته است(دکیجان، ۱۳۶۶: ۲۳).

زمینه و ریشه‌های بیداری، در خود اسلام وجود دارد و اسلام خود یک دین بیدار کننده است. در واقع اسلام، به طور موفقیت‌آمیز در برای منزی شدن و در خود فروختن که در غرب بر مسیحیت تحمیل شد، مقاومت کرد و همین مقاومت، علت اصلی کشکش مداوم دین و دولت در جهان اسلام بوده است. بیداری سیاسی، ترکیبی از بیداری و سیاست
به بررسی تطبیقی انسان‌ها در مسیر حیات مقوله‌ی جغرافیایی \(1389: 163-165\). بسی‌یکا گفت: بیداری سیاسی علی رغم تنواع گراش‌ها و تیرجه‌های متفاوت، نیازی واحده به تاریخ می‌دهد که مضمون آن، این است که ما دوباره برجستیم تا دین را به عرصه‌های مختلف زندگی به ویژه عرصه سیاسی- اجتماعی جامعه برگذرانیم.

(ج) جریان‌های فکری- سیاسی افغانستان

جریان‌های فکری- سیاسی افغانستان، به چنند گروه مذهبی، سکولار و مارکسیستی تقسیم می‌شوند که در دو بخش شیعی و سنی متفاوت دارند. این تحقیق، درباره بخش شیعی این جریان‌ها و در دو مقوله بیداری سیاسی متأثر از نجف و قم بحث می‌شود.

سیدمحمدزاده علی‌اکبر جریان‌های سیاسی- فکری شیعیان افغانستان را این‌گونه دسته‌بندی کرده است:

ستگرانیان: نیروهای سنتی دارای پاگاه‌های واسط مربوط، اما فقد تحلیل و مشی مشخص و برای به واجد هنوز مانند شورای اتفاق اسلامی و حزب اسلامی، نیروهای افغانستانی نیز نظیر جبهه جامعه، حزب‌الله، نیروی اسلامی، حزب ملی اسلامی، و توجه به نیروهای گیم، (نمونه اسلامیت متشکل روحا، از این حضور ماجراجویی، متشکل در کشوریلوچنی، متشکل نخل نزه و حزب‌الله، این نیروهای ماجراجویی اسلامی، تحت رهبری علیالحسین متقاعد، اتحادیه ماجراجویی اسلامی، معرف به اتحادیه حج رسول، اتحادیه سیاسی افغانستانی، معرف به اتحادیه حج برکت، اتحادیه ماجراجویی اسلامی، عیسی قاضی‌نیالی، (علی‌اکبر، 1289: 163-165)

د) فضای سیاسی تاریخ معاصر افغانستان

انزوای سیاسی، از بارزترین عناصر در فضای سیاسی تاریخ معاصر افغانستان است و به واکنش مقامات شیعیان در برای عید رحمان، دوره انزوای شیعیان فارسی‌ها دوره‌ای که بک‌قرن طول کشید و در آن هم‌تاریخی و ارداد سیاسی از شیعیان گرفته شد. عده زیادی به کشورهای مثل ایران، پاکستان امروزی، اسیای میانه و دیگر کشوره‌ها
جهان‌ها در افغانستان

جهزه علمی نجف و بیداری سیاسی در افغانستان

جهزه علمی نجف همواره یا خود از مراکز مهم تعمیر کننده اوضاع سیاسی بوده و با دانش‌آموختگان آن در امور سیاسی صاحب‌نظری و تاثیرگذار بوده‌اند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳: ۴۲) از این رو، جهزه علمی نجف حداکثر در قرن بیستم یکی از مراکز مهم تتأیرگذار بر سیاست‌های جهان اسلام به ویژه جهان تشیع بوده است. در قرن بیستم، طلاب افشاگان اغلب برای تحصیل به جهزه علمی نجف رسیده‌اند.

در آغاز قرن بیستم و پس از اهمیت یافتن نهاد مرجعیت و مداخله مستقیم آن در رویدادهای مهم سیاسی و اجتماعی آن دوره، همچون نهضت مشروطه، مقاومت در برادر استعمار بریتانیا در سال‌های ۱۳۹۲ - ۱۳۹۶ شمسی (۱۹۲۴ - ۱۹۲۸ میلادی) و نیز ایجاد شد. (۱۳۹۲ شمسی(۱۹۲۴ میلادی)، فعالیت‌های سیاسی این جهزه به اوج خود رسید. با ظهور آیت‌الله سیدحسن حکیم در جهزه علمی نجف و با روی کار آمدن عبدالله قاسم در عراق و رونق بزار کمپین‌سپری، جهزه علمی نجف وارد مرحلهٔ جدیدی از فعالیت‌های سیاسی خود شد. با کودناه ۱۳۳۷ شمسی(۱۹۵۸ میلادی) قاسم، رکود جهزه‌ها در هم‌ساختن و اوضاع نسبی مساعده برای شکل‌گیری تشکل‌های اسلامی و ایام جمعی از روحانیان بر حرحفت در آمدن و «ضرورت انسجام فعالیت‌های دینی سیاسی» را مطرح کرده، بنابراین،
محوری داشته ایست. یکی از مترونه‌های جدی در این دوره تغییر ولتینه‌های مبزرای نایین است که به عنوان یکی از دوران متن نظری در دفاع از م ธorough، از حوزه علمیه نجف منتشر شد. هنگام اشغال کریئنگلیسی‌ها پس از آغاز جنگ اول جهانی در ۱۳۹۶ شمسی (۱۹۱۴ میلیون) که به جنوب عراق حمله کردند و بهارت را به تصرف درآوردند، مردم عراق و دولت عثمانی از علوم حوزه علمیه نجف در خواست کمک نمودند و گروهی بزرگ در دسامبر ۱۹۱۴ به رهبری علمای عظام مانند سید مستوفی کاشانی، شریعت اصفهانی، سیدعلی داماد و سیدمحمدحسین جووبی از نجف به سوی بگانه به راه افتادند و سیدمحمدکاظم یزدی مرکز وقت نیز با اعزام فرزند خویش به جهه، با سایر علماء همراهی کرد. (صادقی تهرانی، پیتار، ۱:۸۷)
طرح‌های مطالعه‌ای و تحقیقاتی در حوزه حقوق سیاسی افغانستان ۱. احقاق حقوق سیاسی شیعین

عالمان دینی و متفکران اسلامی، در گستره تاریخ علمی و عملی خود، افرینده حماسه‌ها و نهضت‌های بزرگی بوده‌اند. نهضت‌های مختلفی که با پیش‌تری و هدایت عالمان دینی اسلام شکل گرفته‌اند، منشاً تجربات سیاسی و اجتماعی و سیاسی مسلمانان در کشورهای اسلامی بوده‌اند. این عالمان در مبارزه با استبداد و استعماری، دفاع از حقوق سیاسی شیعیان تلاش‌های فراوانی نمودند. آنان به همکاری‌ها می‌خواهند یا اعانتان نبودند و علیه اعتماد قتوالی شریع صادق نمودند.

این موضوع در افغانستان از هم‌ینی بیشتری بروخودار بود؛ زیرا در قرن بیستم، افغانستان یکی از پرتحول ترین کشورها بود. از طرف دیگر، طالب و روحمان شیعه افغانی در حوزه علمیه نهضت نیز رفت و آمد زیادی داشتند. طالب زیادی از سراسر افغانستان وارد این حوزه می‌شدند و بعد از تحصیل و اندوت خونی کولی‌باری از علم، به کشور بارگشتند و

۱. انتفاضه‌های مسلمان و تآذار آن، عبارت است از راه‌یافتن و پادکست مردم شهروی نهضت و کربلا به سمت خرم امام حسین (ع) به رهبری شهید صدر و محمد‌افر حکیم که به یک قیام عمومی انجامید.
بررسی تطبیقی
ًقش حَزُّای
علویِ ًجف
قن در بیداری سیاسی افغانستان
ًسلاى هعاصر
ىٍ سلًلار ٵََىڂٓ، پٕبٕٓ ي اػشمب٭ٓ ىهبڅز
ډٓ ٽَىوي. اُ ډُڈ سَٔه ي٩بٔٴ آوبن
ىٵب٫ اُ كٺًٷ ٕٙٮٕبن ىٍ ډٓ ٽَىٌ ثًىوي، ثٮي اُ ثبُځٚز
ثلاٍ ٽٚلاًٍ ي ٍيثلا ٍي ٙلاين ثلاب ي١لاٮٕز
فتواهی که از علمای نجف صادق می کشت، برای همه و در همه شنوش زندگی
اُأه ٍي، ٥لاة ي ٭چمب ٔ
ٓ ٽلاٍ ىٍ كلاًٌُ ٭چمٍٕ وؼٴ سلٕٞڄ ٽَىٌ ثًىوي، ثٖٕبٍْ اُ أه ٥لاة ىٍ كلاًٌُ ٽُلاه وؼلاٴ ٽلاٍ ىٍ ٹلاَن ثٕٖلاشڈ ٽلابوًن
سلًلار ٕٕبٕٓ ػُبن إلاڇ ي سٕٚ٬ ثًى، ثب ٵٮبڅٕز
َبْ ځًوبځًن ثًى، اُأه ٍي،٥لاة ي ٭چمب
ٔبٵشىلاي ي ثلاٍ اٝ٦لاف ٕٕبٕٓ ٕٙٮٕبن ٽًٍَٚب ىهبڅز ىاٙش
ىي. اُأه ٍي، ٵشًاَب ٔ ٓ ٽٍ اُ ٭چمبْ وؼٴ ٝبىٍ ډٓ ځَٵز، ثَاْ َملاٍ ي ىٍ َملاٍ ٙلائًن ُولايځٓ
اڅِاڇ آيٍ ثًى، ىٍ آٱبُ ځٚز، كًٌُ َب ي ډيآٍ ٭چمٍٕ وؼلاٴ، ٕٕبٕٓ اُ ٕبڃ 1329
$ ٙمٖلآ 1950 #.
ڈَىډٓ ىٍ سٕٚ٬، دٔ اُ ځٌٙز َڈ]
َب ٍيكبوٕبن ػًان ي ٕٕبٕٓ ػُبن ٭َة ٙپڄ ډٓ ځَٵشىي ي ثٍ ثٕبن ىٍډٓ آډيوي. ډلميثبٹَ ٝيٍ، ٍيكبوٓ ػًان ي
ثلابًَٗ ٭َاٹلآ، وَٕي ي سًان ٵپَْ ٭ميٌ اْ ثًى ٽٍ اُ ٥َكٓ ٕٙٮٓ ثَاْ إلاڇ ٕٕبٕٓ دٚشٕجبوٓ ډٓ ىَي.
$ځَاَبڇ، 1386 :158#
آغازگر:بحداری:سحاسی:
گفت:
تشیع سیاسی در عراق، در دهه 1330 شمسی(۱۹۵۰ شمسی) آغاز گشت. حوزویها و مدارس
علیه نجفی که حوزویها بودند که در ان اینهای روایت‌های جوان و ساسی جوان عرب
شکل می گرفتند و به بیان درمی آمدند. محمدباقر صدر، روایت جوان و پاوهش عراقی،
نیرین توان فکری عمده‌ای بود که از طریق شیعه برای اسلام سیاسی پشتیبانی می کرد.
انتقاد او از فلسفه‌های سیاسی کمونیستی و غربی و ارائه نهایت اسلامی آن و نگرش او
نسبت به حاکمیت مردمی در تشیع، پس از گذشت [سال‌ها] همچنان بخشی از مرامنه‌های
شیعیان اسلام گرا را تشکیل می دهد. (گراهم، 1386: 158)

2. آغازگر بیانی سیاسی

حوزه علیه نجف را با توجه به آن چه در قسمت رفتار سیاسی آن گذشت و نیز
رفت و آمد زیاد طلاب افغانی، مناسب است که این حوزه را آغازگر بیانی سیاسی در
افغانستان بدانیم. البته این به معنای ناگفته گرفتن سهم حوزه قم نیست. بعد از حوزه نجف
اندیشه سیاسی و رفتار سیاسی در افغانستان، منحصر به حوزه علیه قم است.
بیداری سیاسی در افغانستان، از آموزه‌های جنبش‌های اصلاحاتی سیدجمال الدین افغانی، جنبش مشروطه‌خواهی در جهان اسلام، اندیشه و آرای اخوان المسلمین، به ویژه سید قطب و نیز از آرای مودبی سیراب شده است؛ اما بیداری سیاسی در جنبش شیعی، سهم اندیشه‌های شیعی و مارکزی جوین نجف، کربلا و جویه علمیه قم و اندیشمندان جوئ امام خمینی ... بهره برده است (گرهاهم ۱۳۸۴:۱۵۸)

در مورد افغانستان، نمونه‌هایی زیادی وجود دارد که طالب افغانی مقيم نجف در هلفه‌های درس و جلسات تبیین حکومت اسلامی امام خمینی می‌یافتند. این تعلاملات، رفتارهای شکل سیستم‌پذیر گرفت و امام شیعیان را به عنوان نماینده در امور مذهبی به افغانستان فرستادند. قدیمی‌ترین سنده که از سواک در این باره موجود است خاطرنشان می‌کند:

شیعیان مقيم افغانستان که جزء طرفداران روح الله خمینی هستند، بیشتر برای مقابله با نفوذ اهل سنت و جمعیت اخوان المسلمین تکلیف شده‌اند: زیرا خواهان آزادی عمل بهشتری در عقاید مذهبی هستند (ظهیری نزدیک ۱۳۸۴:۲۶)

این گزارش در حالی بود که در سال ۱۳۵۴ شمسی(۱۹۷۴م) شهید سید اسماعیل بلخی به‌قصد زیارت عبادت در نجف با امام دیدار کرد و بلافاصله پس از بازگشت به افغانستان، دعوت‌های مبارزاتی را در برابر حکومت «ظاهرشانه» از سر گرفت. همین طور «آیت الله سیدسرو واعظ» حساسیت رژیم‌های ایران و افغانستان را در زمینه ارتباط با حوزه علمیه نجف به ویژه امام خمینی برایگیخته بود. در گزارش سفارت ایران در کابل برای سواک چنین آمده است:

یکی از روخانیان معروف کابل به نام سیدسرو واعظ، به وسیله دولت افغانستان بازدید گردیده و از وی استاد و مدارک مبنی بر ارسال پیام روز با آیت‌الله خمینی در نجف به دست امده است. نامبرده تحت پارچه قرار دارد و ممکن است گروهی از شیعیان بازدید شوند (گرهاهم، ۱۳۸۴:۲۹)

از این رو، سهم نجف، علمیه نجف در بیداری سیاسی در تاریخ معاصر جهان اسلام و افغانستان بسیار برجسته و آشکار است. زیرا اندیشه سیاسی مكتب نجف، پس از پایه‌های شهید مرجع اخوان خراسانی، در هم‌زمان اندیشهٔ شیعه، حلقه‌ای از مجتهدان و فقهای ایران قدر را به گرد خود سازمان‌دهی می‌کند که بدنا بر بخش اعظمی از انیشنه‌ها و جنبش‌های سیاسی
شیعه در دوران معاصر تأثیر مستقیمی می‌کنار (مربی، ۱۳۷۸: ۱۶۷-۱۶۸)

اسپورتو درباره ارتباط روحانیان افغانی با مراکز دینی نجف می‌گوید:

روشن نیست روحانیان جوان افغانی دقیقاً چه زمانی برای نخستین بار به نجف و کربلا راه یافتند؟ اما این مهاجرت از دهه ۱۳۲۰ ش/۱۹۴۰ م. تا جنگ خلیج فارس دوازده و در حالی که برخی هزاره‌ها گریوختند در جستجوی کار به ایران و عراق مهاجرت می‌کردند، گاه فرمت تحصیل نیز می‌بافتند. این گروه به شدت سیاسی شدند و تحت تأثیر مباحث سیاسی معاصر قرار گرفتند. بیشتر کادر‌های فنی جنبش شیعی در افغانستان، فرمان‌های این نسلند که در فصل سال‌های [۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹] ش/۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ م. به سیاست روز اوآردند. (اسپورتو، ۱۳۸۷: ۲۰۰)

طالب و فارغ التحصیلان حوزه‌های علمیه، در انگیزه‌ها و تدابیر معاصر سیاسی به شکلی داشتند. دهه پنجاه خورشیدی، اوج سیاسی شدن جامعه شیعی بود که از حوزه نجف بیشتر از هر چا تأثیر پذیرفتند؛ زیرا بسیاری از افرادی که وارد سیاست شدند و فعالیت‌های سیاسی را آغاز کردند، فارغ التحصیل حوزه نجف بودند. سیاسیان در این دوره از تشکیل حزب سیاسی سرو مع «حزب ارشاد» گرفته تا تشکیل دولت کوچک در مناطق مرکزی توسط شورای اقلیت‌ها اتفاق را مشاهده کردند (مصاحبه با عالیه بلخی، ۱۳۹۱/۶/۱۹۷۹). بنابراین، حوزه علمیه نجف به عنوان عامل بیانی سیاسی در افغانستان مطرح است. این حوزه، فعالیت‌های سیاسی بیانی را در قرن بیستم انجام داد (مربی، ۱۳۸۷: ۱۶۴-۱۶۳). این پایان نشانه گرفت که حوزه علمیه نجف به گسترش موج بیانی سیاسی و تقویت نهضت‌های رهایی بخش در سراسر جهان اسلام به ویژه در افغانستان کمک بسیار نمود.

یک فاش هم از حوزه علمیه نجف بسیار نمود. در این خصوص، نشست‌های بیشتری برای جمع‌کردن، سیاست‌های جوانان روحانیان افغانی، حضور دانشجویان در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی نداشتند و بیشتر به اجرای مراحل جامعه و ویژه عزالدین سیدعلی شریعتی (ع) اکتفا می‌کردند. در افغانستان رشد چشم‌گیر فعالیت‌های سیاسی شیعیان، از زمان اغاز گردید که دور جدیدی از فارغ التحصیلان حوزه علمیه نجف به ویژه شاهزاده ایت الله سیدمحسن حکیم، امام خمینی، شهداء صدر و وارث افغانستان شدند. بهبود و روابط مرور قرار گرفتن ترتیب‌بندی‌گران نجف و قم در افغانستان در مسائل سیاسی، بسیار می‌گوید:

۳ روحانیان و عمل سیاسی

قبل از سده بیستم، عالی‌ترین شیعه به ویژه روحانیان افغانی حضور دانشجویان در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی نداشتند و بیشتر به اجرای مراحل سنتی، به ویژه عزالدین سیدعلی شریعتی (ع) اکتفا می‌کردند. در افغانستان رشد چشم‌گیر فعالیت‌های سیاسی شیعیان، از زمان اغاز گردید که دور جدیدی از فارغ التحصیلان حوزه علمیه نجف به ویژه شاهزاده ایت الله سیدمحسن حکیم، امام خمینی، شهداء صدر و وارث افغانستان شدند. بهبود و روابط مرور قرار گرفتن ترتیب‌بندی‌گران نجف و قم در افغانستان در مسائل سیاسی، بسیار می‌گوید:
جنگ اصلاحی سیاسی اخیر، تحت تأثیر ملاهای تحسیل کرده در ایران و عراق، از جواه شیعی شهرونه ضرورتاً هزاره از دهه ۱۳۶۰‌ماهی (۱۹۶۰) به هزاره‌های گسترش یافته‌(روایت ۱۳۹۰، ۲۱)

در حالی که این روحانیان، قبل از انقلاب اسلامی بیشتر متأثر از حوزه علمیه نجف بودند و در رأس همه، از اندیشه و رفتار امام خمینی و متفرق بزرگ شهید صدر تأثیر پذیرفته بودند که اندیشه‌هاش تنها در عراق و افغانستان بركه همه اسلام را تحت پوشش و تأثیر قرار داد. این شهید مظوم، درباره عمل سیاسی حوزه‌های علمیه و دخالت عالمان دنیه در سیاست معتقد بود که حوزه‌های علمیه باید در وسط رفتارهای سیاسی قرار گیرد. (العماهی، ۱۳۹۰: ۲۴۵-۲۴۶)

۳. وقایع سیاسی شیعیان

واقعه‌ای که هدف تمامی گروه‌های جهادی و انسجام عمومی جامعه‌شیعه در زمان جهاد، خوشایند بسیاری نبود. بسیاری از جوان‌ها داخلی منابع کمونیست و گروه‌های رقیب، مانع تحقق وحدت سیاسی و نظامی و شیعیان بودند. به همین دلیل، از هرگونه اقدام منفی و تبلیغاتی برای ایجاد کارشکنی و تضعیف وحدت دریغ نمی‌کردند. رفع تنش‌های درونی گروه‌های جهادی و تحقق وحدت و انسجام سراسری نروه‌ها از یک طرف و ضرورت دیگر و مهدی از طرف دیگر، آرزود قاطع‌الطبقه مصرف شیعه بود. همین ضرورت باعث شد که رهبران متعدد و مرمی گروه‌های جهادی شیعه، بر بسیاری از این مشکلات فائق آند و وحدت سیاسی و فرهنگی را در امپراتوری افغانستان غیربختند. آیت الله محسنی‌نام جمهور حوزه نطفه، بیگی از اصل‌زیر تلاغ‌گران و حضور میان شیعیان در افغانستان برعکس از منابع اصلی تقلید مذهب اسلامی در جهان اسلام به شمار می‌آید:

نخستین تلاغ در سال ۱۳۵۸/۱۳۶۷ (۱۹۷۹) برای اتحاد گروه‌های شیعی افغانستان در ایران صورت گرفت که در هنگام که اطلاع از ایران، در سازمان تازه‌ای به همکاری اتحاد اطلاع افغانستان بین مانده‌اند، ظاهراً حکومت اسلامی افغانستان به رهبری آیت الله اصف همخانی حمایت اصلی این ائتلاف بود. برخی آنان هستند که مداخلات برخی نهادهای جمهوری اسلامی، به ویژه نهضت‌های سیاسی باعث انقراض اطلاع اسلامی که در این زمان زیر نفوذ مهدی هاشمی قرار داشت، باعث فروپاشی این ائتلاف شد. (العماهی، ۱۳۶۰: ۲۴۹)
همان گونه که دیدیم، اولین وحدت سیاسی میان گروه‌های سیاسی شیعی به دلیل
مختلفی‌های داخلی و خارجی، شکل‌گیری و بیداری شده که به تأسیس «جهان آزاد جنبش اسلامی
افغانستان» ارتباط داشته. 

دوستی‌های پارامید گروه‌های شیعه در همان سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹م) در
جهان صورت گرفت. [Generations of Shii] گروه شیعی، بین حزب اسلامی، سازمان نصر,
روزانه چنان افغانستان، نیروهای اسلامی، مجاهم‌های خلق افغانستان، احادیح
علماً افغانستان، جنبش مستقل‌های افغان، شورای اتفاق اسلامی و حزب رعد
اسلامی، در این اتفاق شرکت داشتند. ایوانه‌های نجف که به عنوان درپی کل سازمان
جدیدی که «جهان آزاد جنبش اسلامی افغانستان» نام داشت، انتخاب

شد(سال ۱۳۹۰). ۲۲۹

ابن‌های نمی‌توان انگار کرد که وحدت سیاسی تمام گروه‌های جهادی به دلیل بسیار
تحقیق نیافه و آرزوی مردم شیعه به نحو کامل پرآورد نشد، اما همان‌گونه که گذشت
علماً و دانشجویان نجف که بیشتر در امور سیاسی بوند، تلاش زیادی برای ایجاد
وحدت سیاسی شیعیان انجام دادند.

۵. جهاد در برابر اشغال گران

نقش علمای روحانیان در مبارزه با اشغال گران، یکی از شاخص‌های بیداری سیاسی
است. به گفته الیویه روا:

علمای تجسم یک مشروعیت تاریخی نیز می‌باشند. دعوت به جهاد، هم‌جهانی از سوی
آنها فرآیند و دست و در صورت نبودن و آن گاه، که امری فقید قابلیت لازم باشد، با
اوت به مخالفت برخاسته و پرچم مبارزات ضد امپریالیسم را به دوش می‌کشند. (روا
۱۹۹۵: ۹۹)

بی‌شب روحانیان شیعه افغانستان، نیز در به وجود آوردن جهان‌های مقاومت علیه
روسها پیش گام بودند. آنان برای اولین بار در تاریخ، شیع افغانستان، به حزب اسلامی
در میان مردم و مبارزه با سید و ستمگری دست زدند. در این جنگ سرمودنتساز، جهان
بزرگی به دشمن اشغال گر داده شد، علمای آزاده افغانستان نقش رهبری و تعمین کننده
داشتند. پدر ذوالعموم و جد بزرگور حضرت آیت الله حجت (ره) از جمله علماً دینی و از
جمله هاکانی بوند که در مقابل نیروهای اشغال گر و متجاوز انگلیسی، علم مخالفت و
مبارزه را پرداختند. (رجب، ۱۳۸۲: ۳۴)

از این رو شیعیان در جاهاد و دفاع پیش گام نیز بودند. در جهاد مقابل ارتش سرخ شوروی، مردم اینجا با سلاح‌های سرد به قیام دست زده‌اند. اما به رودی از سازمان‌های چهاردی که در پاکستان و ایران شکل گرفته بودند، سلاح دریافت کرده‌اند. از این رو، نخستین جر羟های انقلاب اسلامی در مناطق شیعی زده شد و پس از آن، اشک انقلاب به تدریج همچون را فراگرفت. (یبحثاری، ۱۳۸۵: ۱۹۹) در زمان جهاد اسلامی افغانستان، حوزه‌های علمیه شیعه و شخصیت‌های شیعه بهره‌های خوده علمیه نجف، مردم افغانستان را فراموش نکردند. یکی و یکی مانند شخصیت‌های این حوزه نشان دهنده این مطلب است.

برای نمونه، افغانستان اسلامی و وضع اسفار مردم مسلمان افغانستان، یکی از اولین‌های شهید صدر و تاجیم نظامی نبردهای شوروی به افغانستان، قلب ایجاد را گرجیده‌دار نمود. (الحسینی، ۱۳۸۹: ۲۵۸) در این باره، شهید صدر از حوزه علمیه نجف پیامی را برای مردم افغانستان صادر نمود. (الحسینی، ۱۳۸۹: ۲۵۱)

برخی از شاهکارهای مانند استبدادزیستی نیز متأثر از دانش آموزیان حوزه علمیه نجف بودند. به گواهی‌های تاریخ، روحانیت تشیع در این جنگ، علمدار و پیشبانان بودند و در این راه به از سایر قشرها با مارک، شکنجه و آوارگی دست و پنجه نرم و ناکامی نمودند. (نامی، ۱۳۷۹: ۱۲۳) استبداد منیزی روحانیان تشیع در افغانستان، بیش از همان زمان در تاریخ معاصر به وقوع پیوسته است; زیرا در این تاریخ بیش از هر ماه، افغانستان در کام حکومت‌های استبدادی فرورفت.

حوزه علمیه قم و بیداری سیاسی در افغانستان

در ادامه، به بیداری سیاسی متأثر از تربیت یافته‌های مراکز دینی قم به عنوان تنها مرکز دینی شیعی مبدل شد و که توانست حکومت تشکیل دهد. بنابراین این بی‌بی‌سی متأثر از حوزه علمیه قم پیان خواهد شد. بیداری به پس از پیریزی انقلاب در ایران ناظر است. از این رو، حوزه قم پیان مانند حوزه علمیه نجف در سراسر قلمرو یافته شیعه و جهان اسلام بود. بنابراین که افغانستان به وجود نجف، این لنده‌ها یافته‌های سیاسی حوزه علمیه از دهه چهارم شده بود.

به تدریج مشروطات و مجلات و کتاب‌های نسل جدید دانش آموزیان حوزه قم آغاز شد و به آرامی یک بند به نیروی شکل گرفت: آن گونه که پیوند یک دهد به بعد.
حوزه علمیه قم و تأثیر آن بر بیداری سیاسی افغانستان

نقش قم در حوزه علمیه قم از دهه چهل و پنج تا دهه ششم شد و تداوم یافت. در هر صورت، این مراکز، در تحولات سیاسی افغانستان تأثیر گذاشت. بخشی از این تحولات عبارتند از:

1. گسترش اسلام سیاسی

اسلام سیاسی از نظر پژوهشگران، تعاریف گوناگونی دارد. این تعاریف بر اساس فرضیهای و نیز جهت گیری فکری و سیاسی انسان متفاوت است. اسلام سیاسی، اصطلاحی است که در دهه‌های اخیر به‌ویژه بعد از حوادث پایان‌هشته سپتامبر 2001 و به‌دنبال لشکرکشی‌های مخفی قربانیه امریکا به خاورمیانه و انشغال کشورهای افغانستان و عراق به‌ویژه از مجموعه‌ای محافل آکادمیک در دنیا به‌ویژه غرب تبدیل شد. آغاز پنهان اسلامی بهره‌برداری امام خمینی در ایران و در نهایت پیروزی آن پنهان در سال 1357 و تأسیس نظام جمهوری اسلامی به لحاظ نظری و عملی، اکوپی برای اسلام سیاسی و جنیش‌های اسلامی در جهان اسلام شد (خواجه‌مروی، 1390: 15).

اسلام سیاسی از طریق دانش‌امکانها و راه‌هایی که در بین شیعیان افغانستان راه یافته و از اندیشه‌های امام خمینی به عنوان مجدد اسلام سیاسی نه به‌ردند، هرچند نقش دیگران را نمی‌توان نواحی کرد:

اسلام سیاسی در افغانستان، از آموزه‌های جنیش‌های اسلامی سیدجمال، جنیش مشروطه‌خواهی در جهان اسلام، انقباض و آرای اخوان المسلمین، به ویژه سید قطب، سیراب شده است. در جنیش شیعی نیز سهم اندیشه‌های شیعی و مراکزی چون نجف، کربلا و سیس حوزه علمیه قم و اندیشه‌های امام خمینی... را نمی‌توان از نظر دور داشت (سجادی، 1388: 215).

اسلام سیاسی با تأثیر‌پذیری از انقلاب اسلامی، در بسیاری از کشورهای شیعنشین نفوذ کرد و شیعیان در این کشورها به طور فراوان‌ترای سیاسی شدند. این انقلاب پیچیده‌ای از...
آن‌ها را که اساساً غیرسیاسی بودند، در دهه‌های ۱۳۳۰ شمسی (۱۹۵۰ م.) و
۱۳۵۰ میلادی (۱۹۷۰)، به گونه‌ای فعالیت انجام گرفتند. از راستا، سیاست ملت‌های اسلامی در کشورهای پاکستان، هند، لبنان، عراق، و
به ویژه افغانستان، شکل گرفت که اکثر احزاب سیاسی آن، بعد و یا هم‌زمان با اقلام
اسلامی است.

اوازه این اقلام و آموزه‌ها، از جمله ایده اسلام اقلابی و اتحاد بین رهبری و
میانه مردمی، مبادله تک‌سرعته ستم‌الدهده را بر آن داشت تا با اگر قرار دادن اقلام
اسلامی و تأسیس از اسلام اقلابی موجود در آن، به اسلامگرایی و استعمارداری در چهار
اسلام پردازدند. به دنبال آن، افغانستان دینی- اقلامی زیادی در کشورهای اسلامی پدید
آمد که از جمله مهم‌ترین این کشورها لبنان، عراق و افغانستان بود. بعد از پیروی اقلام
شیعی در ایران، عملی این اقلام به اعتقاد به نفس در میان جامعه شیعه انجامید.

از طرف دیگر، بیداری چهار اسلام به روشی به پیروی اقلام اسلامی (جزوه علمیه
قلم) شتاب و معنی جدیدی یافت. در حالی که تا پیش از پیروی آن، جنیش و تفکر
اسلامی در چهار اسلام سچار رکود بود. به گفتگو دکتر محمد غزالی، اندیشه‌ور مصری,
«بیداری اسلامی» ورزه جدیدی است که پس از اقلام امام خمینی (ره) کسترخ یافته
است. (کبیری:۱۳۷۲) پیروی اقلام اسلامی در ایران، به همگان ثابت کرد که مسئله
بیداری مسلمانان و بازگشت به اسلام، تنها یک خیال و نظر نیست؛ بلکه می‌تواند واقعیت
داستای باشد. (محسنی:۱۳۸۵ م. ص ۱۵۸)

بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که گرچه حوزه علمیه جنف اگازگر بیداری
سیاسی در افغانستان است، حوزه علمیه قلم به رهبری امام خمینی، به گسترش اموج
بیداری اسلامی و تقویت نهضت‌های رهابی بخش یا با سیاست بیشتر در سراسر جهان
اسلام کمک شایان کرد. (طاهری:۱۳۸۸ م. ص ۱۲۹)

۲. محوریت روحانیان در گفتار سیاسی

بعد از حوزه علمیه نجف که روحانیان را در افغانستان وارد رفتار سیاسی نمود، حوزه
علمیه قلم آنان را در متن سیاست قرار داد. افزایش اقبال به سمت روحانیان و تقویت این
نهاد، حوزه‌های علمیه را به کانون سیاست تبدیل کرد و شیعیان را به لزوم پروری از
روحانیان اقلامی موجود ساخت. بسیاری از آنان در کشورهای همچون لبنان، افغانستان،
پاکستان و ... تا ابتدا دهه سیسه/ هشتاد میلادی، از تحصیل کردن در حوزه
علیمه نجف اشرف در عراق بودند؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی، روحانیان زیادی در قم مشغول به حضور در دانشکده هرکدام در بازگشت به کشور، حال فکر سیاسی آن‌ها بود. از انقلاب بودند. رهبری و اعضای این بنش روحانیان از عملکرد این انقلاب شدند. حتی شیعیان کشورهای اسلامی روحانیان این که به توضیح نیاز ندارد و فقط با مراقبه به شنونامه احزاب

روشن می‌شود.

در افغانستان هم رشد چشم‌گیر فعالیت‌های سیاسی شیعیان از معاونت ریاستجمهوری تا سیاست‌پردازی و نماینده‌های پارلament و درگیر تلاش‌ها و نهادهای امور سیاسی دارد. (برهانی، ۱۳۸۸: ۳۶۶) در رأس قربه به اتفاق گروه‌های شیعی یک روحانی قرار دارد. به‌دوباره موجب قرار گرفتن روحانیان و ترتیب بانگان حوزه‌های علمیه نجف و قم در مسائل سیاسی افغانستان می‌گوید: جنبه اصلاحات اسلامی اخیر، تحت تأثیر ملاهای تحقیق كرده در ایران و عراق، از جوامع شیعی شریعتی نه ضرورتی هزاره از دهه ۱۳۷۰ (شمسی) (۱۹۹۰م:) به هزارت هشت‌گشت‌بافت. (دوازدار، ۱۳۸۹: ۲۱) نافذ فرآیند که سه‌چهارم حوزه علمیه قم در سیاسی کردون جامعه شیعه انکارناپذیر است و با حوزه علمیه نجف قابل مقایسه نیست؛ زیرا با یک سیاست شده حوزه علمیه قم، علمای شیعه در حکم‌های مذهبی و اجتماعی خود مردم را به مشارکت در مسائل سیاسی دعوت می‌کرده. هم‌اکنون شیعیان این کشورها، نقش عمده‌ای در سیاست کشورهای افغان می‌کنند. (مراجع، ۱۳۸۲: ۱۷۷) از این رو می‌توان نتیجه گرفت که از لحاظ سیاسی نیز انگلیس و فضای افغانی متأثر از حوزه نجف، در مرحله بعد از مراکز دینی قم تأثیر بیشتر داشتند و با روحانیان نظام اسلامی در ایران، در سیاست‌پردازی از کشورها از جمله افغانستان، اعمال به صورت جدی وارد مباحث سیاسی شدند و جهانی اسلامی ایران در تحولات افغانستان مؤثر واقع شد. (مصاحبه با بانش، ۱۳۹۱/۷/۲۸)

۳. وحدت سیاسی شیعیان

همانطور که در بخش نجف گذشت، عالمان دینی تلاش زیادی برای وحدت میان جنبه‌ها و گروه‌های سیاسی در افغانستان انجام دادند. به‌ین‌ترين تلاش‌برای وحدت سیاسی میان گروه‌های شیعه افغانی در قم انجام گرفت. در هم‌وقت روا در این زمینه متعهد است: دومن تلاش برای متحد کردن شیعه، تحت توجه‌های روحانیان حوزه علمیه قم صورت گرفت. (رواه، ۱۳۹۰: ۱۱۵) تلاش برای وحدت گروه‌های سیاسی، با این در داخل
افغانستان بین این گروه‌ها صورت گرفته بود اما به صورت جدی و در خارج، اول بار مراکز
دبی قم پیشگام و حمایت سیاسی شیعیان افغانستان گردید. همانطور که در تکر این گروه‌ها
سیاسی نیز بخش از حوزه علمیه نجف نش داشت:

تفریق گرایی و چندگانگی جنبش اسلامی شیعی افغانستان نیز همانند گروه‌های سنی،
نگرانی بهبیشی این شیعی در افغانستان و ایران را برانگیخت و باعث شد تا در این
میانجی گروه‌های داخلی و خارجی، تلاش‌هایی برای وحدت این گروه‌ها صورت
گیرد. (احمدی، 1390: 315)

علیمی بلخی، عضو شورای مدیریت حوزه‌های علمیه افغانستان نیز معتقد است:

»علما و روحانیان در جنگ‌های داخلی، نش میانجی را باز کردن و در سال
۱۳۶۴ هیاتی از حوزه علمیه برای اصلاح و میانجی گری به مناطق هزاره‌جات رفتند و نش داور
را در حل اختلافات به عهده گرفتیم. «(مصباحی با علیمی بلخی، 1391/6/9)

حوزه علمیه قم بارا پرای اج Fach و حفظ در فن گروه‌های شیعی افغانستان تلاش به
خرج داد: یک بار در سال ۱۳۵۸ برای اج Fach گروه‌های شیعی افغانستان در ایران
تلاش‌هایی صورت گرفت که در آن هفت گروه فعال افغانی در ایران، در سازمان‌نامه
تأسسی به نام «حزب اج Fach اسلامی افغانستان» گردید هم امکنی. (احمدی، 1390: 329)

۱۳۹۲، بار دیگر، تلاش‌های وحدت برای بنیاد و حفظ در جمهوری اسلامی ایران برگزار شد و ان
گروه‌های مطرح افغانی با عنوان جمهوری آزاد جنبش انقلاب اسلامی افغانستان» متحد
شدند. گروه‌های شیعی مانند حزب اسلامی، سازمان نصر، روحانیان حوزه افغانستان،
نیروهای اسلامی، مجاهدین خلق افغانستان، اتحادیه علمیه افغانستان، جنبش مستضعفین
افغان، شورای اتفاق اسلامی و حزب رعد اسلامی در این اتفاق شرکت داشتند. آیت‌الله
محمدن بعنوان یکی از سرکل سازمان جدید اج Fach (احمدی، 1391: 479-۲۳۸)

بنابراین، نیست که مراکز این قم قم و دانش‌آموز‌گان قم تلاش‌های گروه‌های
سیاسی اساس داده وی به دلایل زیاد این تلاش‌هاگی نتیجه چندان نداد و تکرر گروه‌های
افغان در حال حاضر نیز بخش از اهل سنت است.

۴ مشارکت سیاسی حداکثری شیعیان

گفته شد که شیعیان افغانستان، به دلایل مختلف از حضور و مشارکت سیاسی دور نگه
داشته شده بودند و در دوره‌های کامل‌اً از صحنه سیاسی حذف شده که اوج آن در
زمان حکومت عبدالرحمان بود. عالمان دینی و طالب مراکز دینی نجف به ویژه حوزه
پس از کودنای داوودخان در سال ۱۲۵۲ و استقرار حکومت جمهوری در افغانستان، حزب شیعه تا حدودی شکل اجتماعی یافت. این زمان به بعد احزاب و جوامعی سیاسی شیعه افغانستان بدون استناد اصل تأییدیهی تحت تأثیر حوزه‌های علمیه شکل گرفتند و رشد نمودند. همچنین با انتقال اسلامی و جهاد با کمونیسم در افغانستان، احزاب پاژده‌گانه شکل گرفت که هشت حزب آن شیعه و شکل گرفته از تهران، قم و مشهد است. این گروه‌ها به دنبال حمایت قاطع امام از هرگونه حکم انقلابی شیعه افغانستان تأسیس شدند. شیعیان افغانستان در همان اوایل، احتمالی از راه و وجود آرمانی که ساواک از آن به نام «تحادیه مذهبی خمینی» نام می‌برد. بنابر گزارش ساواک، این گروه در صد بودند که جوزه فعالیت‌های را گسترش دهند و شعباتی را در بغداد، مشهد و کابل تأسیس کنند و قرار بر آن بود که در نور از طرفداران امام خمینی از ایران به علمیه قم، این دوری از صحنه‌های سیاسی شیعه را تا حدی جبران کردن و مسجد را برای مشارکت سیاسی حاکمی تشکیق و ترغیب نمودند. بیشتر دانش‌آموختگان قم، در افغانستان در تقابل با حکومت قرار گرفتند. از این رو، مشارکت سیاسی و حمایتی در تقابل با حکومت نمود یافته و لی در این اواخر و در دوره پستاپالیسی، دانش‌آموختگان مراکز دینی قم بیشتر به سمت مشارکت سیاسی حاکمی تعاملی گرفتند. اینچه از عوامل شرکت و عدم شرکت در فعالیت‌های سیاسی ذکر شد و وجود دارد، شاید در نبود مشارکت سیاسی شیعه نقص داشته، اما مهم‌ترین دلیل، همان منزوی کردن عمده جامعه شیعه از سیاست و اجتماع توسط حکومت‌ها بود.

سرشماری نفوس و جمعیت کشور، یکی از مسائل اختلافی افغانستان است. از جهت دهم اخیر بدن سو، سرشماری دقیق و قابل اعتماد نفوس در کشور از طریق منابع رسمی، داخی و مؤسسات جهانی صورت نگرفته تا آن تکه شود. از طرف دیگر افغانستان، سرشماری‌های قومی است. یکی از آمارها، آمار سازمان ملل است که صورت وفادار نسبی اقوام قرار داشته، بنابراین مشارکت اقوام در کنفرانس «پن» به‌طور است. به این‌ویژه آمار، پشتون‌ها ۳۳٪ تاجیک‌ها ۲۴٪، هزاراها ۲۰٪ از کنک، از قبیل اقوام ۱۲٪ محاسبه شده است. سهم شیعه‌های در افغانستان امروز کمتر از مصوبه کنفرانس «بن» است وی مشارکت شیعه بیشتر از هر دوره دیگر است.

۵. شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های سیاسی

پس از کودنای داودخان در سال ۱۲۵۲ و استقرار حکومت جمهوری در افغانستان، حزب شیعه با حدودی شکل اجتماعی یافت. این زمان به بعد احزاب و جوامعی سیاسی شیعه افغانستان بدون استناد اصل تأییدیه تحت تأثیر حوزه‌های علمیه شکل گرفتند و رشد نمودند. همچنین با انتقال اسلامی و جهاد با کمونیسم در افغانستان، احزاب پاژده‌گانه شکل گرفت که هشت حزب آن شیعه و شکل گرفته از تهران، قم و مشهد است. این گروه‌ها به دنبال حمایت قاطع امام از هرگونه حکم انقلابی شیعه افغانستان تأسیس شدند. شیعیان افغانستان در همان اوایل، احتمالی از راه و وجود آرمانی که ساواک از آن به نام «تحادیه مذهبی خمینی» نام می‌برد. بنابر گزارش ساواک، این گروه در صد بودند که جوزه فعالیت‌های را گسترش دهند و شعباتی را در بغداد، مشهد و کابل تأسیس کنند و قرار بر آن بود که در نور از طرفداران امام خمینی از ایران به
افغانستان بروند و شعبیه این اتحادیه‌ها در کابل افتتاح گردید (ظهیری نژاد، ۱۳۸۲: ۶۲)
در دهه ۱۳۵۰ هزاران نفر از شیعیان به ایران مهاجرت نمودند. در طول این سال‌ها، اغلب جوانان افغانی مهاجر به ایران می‌رفتند و به‌تشکیل گروه‌های معارض شیعی اقدام نمودند. تأثیر این تحولات، تا حدی بود که عده‌ای از پژوهشگران این دوره را به
نام «دوره ایرانی‌شنیده جوانان افغانی» نام نهادند. (فرحی، ۱۳۸۱: ۸۵)
روای تأثیرپذیری علمی افغانستانی‌ها از مراکز دینی قم و نجف و روحانیان این مراکز
چنین گزارش کرده است:
روحانیان جدید افغانی، از طریق راهه مستقیم با ایستاده‌های مستقر در نجف، مشروطیت خود را به دست می‌آوردند. روحانیان جوان با رفت‌enegro کریلا و نجف و برخی از غیرروحانیان مردم هزاره که برای خود به ایران و عراق می‌رفتند، گاهی فرصت برای تحصیل می‌پیدا نمی‌کردند. از مهاجرین مشکل از روحانیان تا شاهد عوازم، مرکزی
به وجود آمد که تبدیل به محل انتقالی سیاسی در سطح عالی شد؛ چنان‌چه ادوارد و کوکی کیز، نیز با آن‌ها شرکت (رای، ۱۳۹۰: ۱۱۱)
کار این پژوهش، دردناک‌بن به احزاب و شناسایی آن‌ها نیست. تنها مطلوبی که باید به آن
توجه شود این است که شکل‌گیری احزاب سیاسی، یکی از نشان‌های مهم‌ترین‌های بی‌دائی سیاسی به
حساب می‌آید. از طرف دیگر، این احزاب ایران سیاسی اولاً از مراکز دینی شکل گرفته و ثابت‌اً
مرکزیت و اعتیاد کرده قبیل اتفاق‌های این احزاب جدی‌تری، زیرا از دانش آموز‌گان حوزه‌های
علمیه به ویژه حوزه علمیه قم هستند. برخی از این احزاب در جدول زیر آورده شده‌اند:

<table>
<thead>
<tr>
<th>نام حزب و جبهه سیاسی</th>
<th>تأسیس</th>
<th>سال تأسیس</th>
</tr>
</thead>
</table>
| سازمان مجاهدین مستضعفین | ۲۶ ژانویه ۱۳۵۵ | ۱۳۵۵
| جنبش اسلامی | ۱۳۵۶ |
| جنبش مسلمانان مبارز | ۱۳۵۹ |
| جنبش اسلامی مستضعفین | ۱۳۶۱ |
| گروه وحدت اسلامی | ۱۳۶۲ |
| نیروی اسلامی | ۱۳۶۳ |
| نیروی افغان اسلامی | ۱۳۶۴ |

۱۳۹۰ نشانه‌های سیاسی و دینی در ایران

SOURCE: AFGHANISTAN AND THE SHEBAH-ENALEE CONFERENCE IN KABUL (POHRIDIEH NIZAD, 1382: 62)
In the 1950s, hundreds of thousands of Shiites migrated to Iran. Over the course of this period, young Afghans, some of whom had previously migrated to Iran and Iraq, had the opportunity to study in Iran. These Afghans, who had migrated illegally, became a significant force in Iranian society. They played a role in the political and social life of Iran. However, they were also subject to discrimination, persecution, and discrimination. The role of these religious and political organizations in Iran is described in detail in the research. The table below shows the organizations that were active in Iran:

<table>
<thead>
<tr>
<th>Political Organization</th>
<th>Establishment Date</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>Islamic Republic of Iran</td>
<td>1358</td>
</tr>
<tr>
<td>People's Mujahedin of Iran</td>
<td>1359</td>
</tr>
<tr>
<td>Jihadi Islam</td>
<td>1359</td>
</tr>
<tr>
<td>Islamic Student Association</td>
<td>1358</td>
</tr>
<tr>
<td>Islamic Student Movement</td>
<td>1358</td>
</tr>
<tr>
<td>Islamic Revolution</td>
<td>1359</td>
</tr>
<tr>
<td>Islamic Revolution</td>
<td>1360</td>
</tr>
</tbody>
</table>

1390: SIGNIFICANT POLITICAL AND RELIGIOUS DEVELOPMENTS IN IRAN

SOURCE: AFGHANISTAN AND THE SHEBAH-ENALEE CONFERENCE IN KABUL (POHRIDIEH NIZAD, 1382: 62)
نتیجه

مراکز دینی و جویه‌های علمیه، نجف و دانش‌آموزگان آن‌ها، نقش اصلی در بیانی سیاسی شیعیان افغانستان داشتند. نقش این مراکز در بیانی سیاسی بررسی شد که تلاش برای احقاق حقوق سیاسی شیعان، آغازگری بیانی سیاسی، مطرح‌سازی روحانیان در رفتار سیاسی، تلاش برای وحدت سیاسی و تعامل و نقد نظام‌های سیاسی افغانستان، از جمله نموده‌ای بیانی سیاسی تخت تأثیر جویه علمیه نجف در افغانستان بود. جویه‌های علمیه نجف و دانش‌آموزگان آن‌ها، مؤلفه‌های زیرا را به بیانی سیاسی شیعیان افغانستان افزودند: دفاع از حقوق سیاسی شیعان، گسترش موج بیانی سیاسی، اسلام سیاسی و انقلابی، ارتباط با جامعه، اجتماعی شیعیان افغانستان و شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های سیاسی. این‌ها از نموده‌های بیانی سیاسی در افغانستان بود. این موضوع‌ها در حالی بود که شیعان بیش از یک سده، فضای تأثیر سیاسی استبدادی را پشت سر گذاشتند و بعد از قتل عام و دوگه داشته شدن از صحنه‌های سیاسی و اجتماعی به‌کمک این مراکز و نهادها دوباره به صحنه سیاسی پارگشتن که طبیعی و گرفتار برخی آسیب‌ها نیز گردیدند.
کتابنامه

- ابن منظور، مصطفی مکرم(۱۳۷۴)، لسان/عرب، بروت، داراییه التراتب العربی.
- احمدی، حمید(۱۳۹۰)، سیر تحول جامعه‌ای اسلامی از جهت شیعه سید جمال تا بهار عرب(۱۸۷۰)، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
- اراکی، محسن(۱۳۸۲)، شهید صدر و اجتماعی در جریان نجف، فصلنامه اطلاع رسانی و پژوهش‌های حوزه، سال چهارم، شماره ۱۶.
- ادبی، عادل و موسی، سیدحسین(۱۳۸۳)، حرب الدعوه اسلامی عراق(پیشینه تاریخی و انديشه سیاسی)، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- اسپوزیو، جان آل(۱۳۸۲)، انقلاب اسلامی و بازنگری جهانی آن، ترجمه دکتر محسن مدیریان، تهران، مرکز آشنایی اسلام و ایران.
- الوی، محسن(۱۳۸۴)، بیداری اسلامی؛ از دوران تهاده، مندرج در کتاب بیداری اسلامی، جهان اندیش آنده و هدایت آن جمعی از نویسندگان، مجموع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران.
- امرایی، حمزه(۱۳۸۳)، انقلاب اسلامی ایران و جامعه‌ای اسلامی معاصر، تهران، مرکز استاد انقلاب اسلامی.
- وحیدی، جعفر، جغراییای باقر(۱۴۰۰)، ماهنامه/انقلاب و حاضرها، بروت، دارالضواء.
- بخش‌نامه، محمد عزیز، شبکه افغانستان(چهارمین تابعیت)، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلام.
- وحیدی، محمد جواد(۱۳۸۸)، نشان‌های درگیری اجتماعی با تأکید بر افغانستان معاصر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- بابکی، حسین(۱۳۷۹)، مدرک پیروز انقلاب سال های ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران، خانه کتاب.
- جعفری، محمد رضا(۱۳۶۸)، حکمت اصلی اسلام، تهران، نشر بیان نهج البلاغه.
- جمعی از نویسندگان(۱۳۸۳)، (گلابگیر نیک، سیدمحمد، نسرین احمدیان، سیدمحمدیه)
حسینی، ابراهیم زنگنه و محمود پسندی(۱)، نجف کانون تنش، مشهد، بیان مزهوش ها.
اسلامی، آنارش قبض رضوی.
حسینی، السد محمد(۱۹۸۹)؛ امام الشهید السد محمد باقر‌الصدرا در سبیه ونی حمید، پروت، دارافرات.
- حکیمی، محمد (۱۳۸۴). پیداگران اقیام قبله، قم، انتشارات دلیل ما.
- خسروی، عبدالحسین(۱۳۹۱). جهان شناسی نگری ایران معاصر، قم، تعلیم و تربیت اسلامی.
- دارابی، علی(۱۳۹۰). جهانی سیاسی درگستر جهانی (درآمده تحلیلی بر اسلام سیاسی)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- دکچریان، هریار(۱۳۶۶)، جهانی سیاسی درجه‌انگریز عرب (اسلام در انقلاب)، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان.
- رجا، محمد سرو(۱۳۸۲)، انجیل‌سازه در افغانستان، زندگی نامه حضرت آیت‌الله آقای حجت کابلی، قم، نشر افک فرد.
- روای، لیلی(۱۳۹۰)، افغانستان از جهاد با جنگ های داخلی، ترجمه علی‌محمد کرمانی، تهران، نشر عرفان.

________________________ (۱۹۹۵). دکچریان، جهانی سیاسی درگستر، ترجمه عبیدالکریم خرم، پیشاور، نشر مصطفی سحر.
- سجادی، سید عبده‌القیوم(۱۳۸۸). اکتماب جهانیشن و اسلام سیاسی در افغانستان، پاسالان، قم، سازمان انتشارات دانشگاه میدن.
- سیدباقری، سید کاظم(۱۳۸۴). جهان جهاد، میزان پویاهای، پژوهش، دو ماهنامه اطلاع‌رسانی پژوهشی مرکز جهانی خرداد و نیو، شماره ۱۲.
- سید جوادی، احمد و دیگران(۱۳۸۱). دانه‌های زمین، تهران، نشر شهید سعید محیی.
سید کربلای (۱۳۷۸ هـ)، حوزه‌های علمیه شیعه درگستری چه‌چنین، تهیه پژوهشگاه باقرالعلوم (ع)، تهران، مؤسسه انتشارات امر کبیر، چاپ اول.

شیروکی، علی و عباس زارع (۱۳۸۴ هـ). تحولات حوزه علمیه کم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

صادقی تهرانی، محمد (بی تا). نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۳۶۰ عراق و تنش علمی.

مجله اسلام، قلم، دارالفکر.

طاری، سید مهدی (۱۳۸۴ هـ). بیان خورشید نتایج انقلاب اسلامی ایران بر بی‌پایه اسلامی (مجموعه مقالات)، قلم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

ظاهری نژاد، مهناز (۱۳۸۲ هـ). مناسبت‌های امام با حکم‌ها و مبارزان اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

الاعلی، الشيخ احمد ابوزید (۲۰۰۷ م). محمد باقرالصدرا بر سیره ومسیره فی حقوق وراثت، بیروت، دارالعارف للمطبوعات.

علی‌محمد عباسی (۱۳۸۹ هـ). نگاه‌های جنبش روشین فکر افغانستان، مسئولیت خدمات فرهنگی باران، غزار، میان‌الاحمد ویشنی در مسترسالی، به همت حشمت خلیل غیبار، تهران، انتشارات جمهوری.

فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۱ هـ). انقلاب اسلامی و بازتاب آن، قلم، زلال کوثر.

فیاض، مقدم عبدالحسین (۲۰۰۲ هـ). تاریخ النجف السياسي ۱۹۴۸–۱۹۶۱ (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ معاصر از دانشگاه کوفه)، بیروت، دارالاضواء.

کدیور، جمال‌علی (۱۳۸۷ هـ). روایاتی از انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران، اطلاعات.

گرایم، ای فلور و رند رحیم فرانکه (تاسنین۱۳۸۶ هـ). شیعیان عراق، ترجمه خدیجه تبریزی، قصانیون شیعه شناسی، سال دوم، شماره ۵.

محمدی، مصطفی (۱۳۸۵ هـ). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مرجی، شمس الله (۱۳۸۷ هـ). مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق.
مقام، مؤسسه بوستان کتاب.

- مظفری (قبری)، آیت(۱۳۸۹)، جریان شناسی سیاسی ایران معاصر: برای پژوهشکده تحقیقات اسلامی، قم، زمزم هدایت.
- ناصری داوودی، عبدالملکجید(۱۳۷۹)، زمینه و پیشنهاد اصلاحی در افغانستان، قم.
- النصیبی، شیخ محمدزاده(۱۳۷۱)، شهید، مرکز انجیهه، قم، مرکز الأبحاث، والدراسات التخصصیه للشهید الصدر.

مصاحبه‌ها

- مصاحبه تگارده با حجت الاسلام والمسلمین احسانی فرزند آیت الله رئیس یکاولنگی و مسئول مدرسه علمیه محمدیه یکاولنگ ولیت بامیان در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۳۱ یکاولنگ.
- مصاحبه تگارده با حجت الاسلام سیدمحمدحسین رضوی بامیانی، عضو شورای علماء شیعه، رئیس فرمانداری حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی در کابل و رئیس کمیسیون فرهنگی شورای علما ۱۳۹۱/۵/۶ کابل.
- مصاحبه تگارده با چناب داکتر ویش بینش، رئیس گروه علوم سیاسی و عصو هیات علمی مؤسسه تحقیقات عالی خاتم الانبین در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۷ کابل.
- مصاحبه تگارده با حجت الاسلام والمسلمین علی ملا مجدی بلوی، سیدحسین علی ملا بلوی، عضو شورای مدیریت حوزه‌های علمیه و نمازه بارمیان در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۹ کابل.
- مصاحبه تگارده با اساتد حجت الاسلام والمسلمین محمد کریمی، رئیس حزب وحدت ملی اسلامی افغانستان، نمازه مردم بامیان در پارلمان و عضو شورای علمای شیعه در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۱۰ کابل.